

گفت وگو با امیرھوشنگ سزاوار زینتی، مدرس و تنظیم کننده گروه های سرود انقلابی

سرود هنوز هم می‌تواند شور انقلابی ایجاد کند

الهام ظریفیان

گزارش خبری

امیرھوشنگ سزاوار زینتی، هنرمند مشہدی، متولد ۱۳۴۱ است که در بیش از چهل سال گذشته مدرس و تنظیم‌کننده سرود و گروه‌های موسیقی انقلابی بوده است. معروف ترین گروه سرودی که او با چهارصد نفر از بسیجیان راه‌اندازی کرد، سال ۵۹ در حسینیه جماران و در محضر امام^(۶) سرودی حماسی با مطلع «ما مسلح به ا... اکبریم، را اجرا کرد که از آن پس به عنوان تیتراژ ابتدایی خبر ساعت ۱۹ شبکه یک پخش می‌شود. او سال ۵۴ و در مدرسه با گروه‌های سرود و موسیقی آشنا و به عضویت سازمان پیشاهنگی درآمد. اما بعد همین آموزش‌ها را برای راه‌اندازی گروه‌های سرود در مساجد به کار گرفت و توانست گروه‌های زیادی از نوجوانان و جوانان را با انقلاب همراه کند. پس از انقلاب به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و به سازماندهی گروه‌های سرود در مساجد و مدارس پرداخت. در ادامه با او گفت‌وگوی کوتاهی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

● سرود را در سازمان پیشاهنگی یاد گرفتید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به آن کاربرد حماسی و انقلابی دادید. چطور به چنین کاربردی رسیدید؟ در آن زمان چه نگاهی به سرود غالب بود؟

سرود یک قالب هنری بود و این اقبال را داشت که با نگاه حماسی به پیشبرد انقلاب کمک کند. این اقبال باتوجه به حساسیت‌هایی که آن زمان به موسیقی در طیف مذهبی وجود داشت اهمیتی ویژه یافت. ملودی‌ها و ریتم‌هایی که ما انتخاب می‌کردیم بیشتر حماسی بودندو هدفمان این بودکه شوروشوق و هیجان را در بچه‌ها به وجود بیاورند. درواقع یک اقبال هیجانی به این نوع سرود به وجود آمده بود. ● چه شد که شما از هنر موسیقی به سمت کارهای انقلابی کشیده شدید؟

من سال ۵۴ به تهران رفتم. در مسجد لرزاده فعالیت می‌کردم.این مسجد اولین پایگاهی بود که برای جذب و آماده‌سازی و آموزش بچه‌های مسجدی در آن زمان در تهران فعالیت می‌کرد.من بچه‌های مسجد را برای گروه سرود جمع می‌کردم. اعضای گروه بیشتر دانش آموز بودند. مضامین سرودهاهم اغلب مذهبی بود.درکنارشر کلاس‌های آموزش قرآن هم داشتیم.از این سرودها در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مثلا در ساخت شعرا‌های انقلابی استفاده می‌کردیم. دوستی داشتیم که اشعار را به من می‌داد و من با یک ملودیکای کوچک روی آن آهنگ می‌گذاشتم. مانند:خون سرخ هر شهید می‌دهد پیام/ تا کنیم حمایت از مکتب و امام. کارهای دیگری هم می‌کردیم.

مثلا با فیلم‌های رادیولوزی کلیشه درست می‌کردیم و شبانه روی دیوارها شعارنویسی می‌کردیم. اوایل انقلاب وقتی به دستور امام^(۶) ارتش بیست‌میلیونی تشکیل شد سازمان دهی کارهای ما ساده‌تر شد.

● طیف‌های مذهبی و انقلابی در آن دوره چقدر با سرود به‌عنوان یک قالب هنری آشنا بودند؟ شاید آن‌ها به سرود آن نگاه هنری را نداشتند، چون بچه‌هایی‌که در این فعالیت‌هاشرکت می‌کردندبیشتر نمازگزاران مساجد بودندکه اغلب آخر شب‌ها و بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد جمع می‌شدند. آن‌ها بیشتر سعی می‌کردند نیازشان را در این فعالیت‌ها برطرف کنند و نیازشان صرفا سرود نبود، بلکه بیشتر آن شور و حالی بود که با سرود برایشان ایجاد می‌شد. سرود قالب خوبی بود که می‌توانست با اشعار و ریتم حماسی این شور و حال را به وجود بیاورد. کلاس‌های

دیگری هم بودند ولی مانند سرود از آن‌ها استقبال نمی‌شد. چون نمازگزاران و انقلابی‌ها با شرکت در گروه‌های سرود هم می‌توانستند یک کار جمعی‌کنند و هم موسیقی حماسی سرود، پاسخی به هیجانات آن‌ها بود. آن روزها سرودتبدیل به یک قالب هنری در دسترس و ارزان برای عموم مردم شده بود. برخلاف هنرهای دیگر که در گالری‌ها و برای طیف خاصی عرضه می‌شدند، سرود به‌صورت خودجوش و توسط گروه‌های مردمی با اهداف مشخصی به کار گرفته می‌شد.

● این گروه‌ها را در چه شرایطی و با چه امکاناتی تشکیل می‌دادید و اینکه آیا از کارتان حمایت می‌شد؟

به‌ندرت پیش می‌آمد که کسی نگاه عمیق انقلابی و مذهبی داشته باشد، به جز مواردی که برخی افراد اطلاعات و آگاهی بالایی داشتند و دوست داشتند بچه‌ها را رصد کنند. ما با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدیم، مثلا افراد میان سالی که به مسجد می‌آمدند خیلی حوصله شلوغی و بازیگوشی و هیجان‌های بچه‌ها را نداشتند. اما مرحوم عمید زنجانی، داماد آیت ... مرعشی نجفی که پیش نماز مسجد لرزاده بود و بعدا هم نماینده مجلس شد، نگاه عمیقی داشت و از حامیان اصلی ما بود.

● شما درسپاه‌هم فعالیت‌های موسیقایی را ادامه دادید و گروه‌های سرود راه انداختید. این کار را باتوجه به حساسیت‌هایی که آن زمان در تشکیلات سپاه به موسیقی وجود داشت چطور انجام دادید؟

من در تهران به واسطه همان فعالیت‌هایی که در مسجد لرزاده داشتم جذب سپاه شدم و به کردستان رفتم و در یکی از گردان‌ها مشغول خدمت شدم. اول چیزی درباره فعالیت‌های موسیقایی مطرح نکردم، چون نمی‌دانستم که چه واکنشی خواهند داشت، اما بعدها دیدم هفته‌ای یک‌بار که ارتش می‌خواهد بیاید رژه و نظام جمع کار کند، چقدر با مشکل روبه‌رو هستیم. به یکی از دوستان پیشنهاد دادم یک گروه موسیقی کوچک ایجادکنیم. گفت چطور؟ گفتم: من قبلا کار موسیقی کردم و آشنایی دارم. بعداز شش‌ماه با امکانات اندک و آموزش یک گروه راه انداختیم.بیشترین کاربرد این گروه بعد از عملیات و در تشییع جنازه شهدا بود. چند بار هم من به جبهه اعزام شدم که در پشت جبهه هم گروه سرود راه انداختم و اجرا کردیم. این برای خیلی‌ها باورپذیر نبود. بعد از عملیات رزمندگان

از لحاظ روحی و جسمی نیاز به استراحت داشتند که به اصطلاح به عقبه می‌رفتند. یک عده مرخصی می‌گیرندولی یک‌عده‌هم‌همان‌جا هستند. دریکی‌دو عقبه ما این فعالیت را انجام دادیم.

● سرودمعروف «ما مسلح به ا... اکبریم» را کی اجرا کردید؟ بعد از تشکیل ارتش بیست میلیونی در ورزشگاه ۱۷ شهریور تهران یکی از دوستان گفت قرار است سرودی را در حضور امام^(۶) اجرا کنیم واز من خواست با گروه کار کنم. یک گروه چهارصدنفره از بسیجی‌ها بودند که از همه اقشار بین آن‌ها پیدا می‌شد. از اصناف گرفته تا ادارات ودبیرستان‌ها. من مأموریتی از پادگان گرفتم و شروع به کار کردم. شعرش همان شعار وحدتی بود که بین نماز خوانده می‌شود. این شعر پیشنهاد شد و من یک ریتم حماسی برای آن آماده کردم. قبل از اجرا یک روز در اردوگاه منظریه که نزدیک جماران بود تمرین کردیم و فردا صبح در حضور امام^(۶) اجرا کردیم. تمام بچه‌ها استرس زیادی داشتند واین در تصاویر هم مشخص است. این سرود اولین بار سال ۵۹ اجرا شد. شب‌خبر اجرای این سرود در اخبار پوشش داده شد واز آن پس همیشه پیش از اخبار پخش می‌شد. ما خودمان اصلا فکر نمی‌کردیم این کار این قدر مورد استقبال قرار بگیرد.

● کی به مشهد آمدید و این فعالیت‌ها را در مشهد چطور ادامه دادید؟

سال ۶۴ به عنوان مربی موزیک به سپاه مشهد منتقل شدم و یک گروه سرود راه انداختم. شش ماه طول کشید تا آماده شدند. بعد در زمان عملیات کربلای ۴ باتوجه به نیاز تشکیلات دوباره به منطقه اعزام شدم. بعد از بازگشت از منطقه به مشهد، دیگر در پادگان فعالیت نکردم وواردبخش فرهنگی سپاه شدم. در این بخش کارم سازمان دهی و ایجاد گروه‌های سرود مساجد و مدارس بود. در مدت شش‌ماه ۴۵ گروه سرود آماده کردیم که هر گروه از ۳۵ تا ۳۵۰ نفر عضو داشت و در مراسم مختلف اجرا می‌کرد. برخی از این گروه‌ها دوسه باری هم به مناطق اعزام شدند و در پشت خط اجرا کردند. این فعالیت‌ها تا سال ۱۷۳ ادامه داشت که باز بنا به نیاز تشکیلات به پادگان برگشتم. آنجا چند ماهی مسئولیت گروه موزیک پادگان بروسی را به عهده گرفتم و همچنان به‌عنوان مربی سرود با مدارس ناحیه ۴، ۵ و ۶ و مؤسسه امام حسین^(۷) همکاری می‌کردم. کما کان هم با مدارس مرتبط هستم.

● فضای مشهد چقدر با تهران تفاوت داشت؟ از لحاظ اهمیت و توجهی که پس از انقلاب به قالب سرود می‌شد. نمی‌خواهم مشهد را زیر سؤال ببرم ولی هیچ‌وقت به تهران نمی‌رسید. در مشهد محدودیت‌ها بیشتر ولی



نمایی از فعالیت‌های امیر هوشنگ سزاوار زینتی در راه‌آهن انقلاب اسلامی

در تهران فضا برای کار بیشتر بود و آزادی بیشتری داشتیم. هم از نظر امکانات، هم از نظر عوامل اجرایی و همکاری‌ها. آن قدر که در تهران قالب سرود به‌عنوان یک قالب هنری انقلابی شناخته شده بود، در مشهد این گونه نبود.

● امروز مشهد چه جایگاهی دارد؟ توانسته است این فاصله را پر کند و در سرود رشد کند؟

نسبت به سال‌های گذشته من فکر می‌کنم کم‌رنگ‌تر شده و پررنگ‌تر نشده است. تا قبل از کرونا فعالیت‌های بیشتری داشتیم. جشنواره‌ها و مسابقات بیشتری برگزار می‌شد. هرسال یا هر دوسال یک بار گردهمایی‌هایی برگزار می‌شد و از مربیان سرود تقدیر می‌شد. این باعث می‌شد زحمات آن‌ها فراموش نشود. سرود در پیروزی و پیشبرد انقلاب نقش مهمی داشته و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی کرده‌است. ولی حالا آن توجهی که باید به آن نمی‌شود. این چیزی است که مسئولان فرهنگی باید به آن اهتمام داشته باشند. جشن‌های دهه فجر به جای اینکه سال به سال پررنگ‌تر شوند، با توجه کمتری روبه‌رو هستند. درحالی‌که ما باید پرچم انقلاب را به دست نسل‌های بعدی بدهیم و تجربیاتمان را منتقل کنیم. نسل جدید باید بداند که انقلاب به‌راحتی به دست نیامده و جنگ به‌راحتی تمام نشده است. با هنر به‌راحتی می‌توانیم عوارض بعد از جنگ را کمتر و پرچم انقلاب را حفظ کنیم.

● فکری کنید سرود همچنان که در اوایل انقلاب به‌راحتی توسط مردم پذیرفته می‌شد هنوز هم این ظرفیت را دارد که

مخاطبان را راضی کند؟ بله، یقینا دارد. من نمی‌خواهم هنر را به سیاست ربط بدهم ولی اگر حضور جوانان را در فرهنگ و هنر داشته باشیم، هیچ ضرر به‌ای به انقلاب ما وارد نمی‌شود. ما باید برای آن‌ها خوراک مفید داشته باشیم. اگر بتوانیم این بچه‌ها را جذب کنیم مانند گذشته حضور پررنگی خواهند داشت. بچه‌های ما تشنه هستند و ما به‌عنوان خدمتگزار باید به آن‌ها خوراک بدهیم. سرود هنوز هم می‌تواند مخاطبان زیادی را جذب کند. هنوز هم وقتی یک سرود جدید کار می‌کنم، می‌بینم که بچه‌ها به‌راحتی می‌پذیرند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند و بعد در کنار سرود در کارهای دیگر هم مشارکت می‌کنند. نمونه‌اش سرود سلام فرمانده است که می‌بینیم تا چه حد مورد استقبال قرار گرفته است. این اقبالی که نسل نوجوان امروزی به این قطعه دارد نشان می‌دهد که سرود همچنان می‌تواند یک قالب هنری پر مخاطب باشد.



دو فیلم «ماجرای نیمروز»، جایزه نگرفت، طبیعی است که برای «کت چرمی» هم دیده نشود. بدترین تصمیم داوران اما نامزد نشدن بابک حمیدیان برای بازی در فیلم «غریب» بود که به‌هیچ‌عنوان پذیرفتنی نیست و شاید مهم‌ترین سؤال مخاطبان جشنواره از داوران باشد.

در بخش بهترین بازیگر نقش اصلی زن، ژاله صامتی (برای بازی در «سرهنگ ثریا)، حداقل مستحق یک دیپلم افتخار بود، درحالی‌که نقش آفرینی پردیس پورعبادینی در «غریب، کوتاه و فاقد ظرایفی است که سیمیرغ گرفتن این بازیگر جوان را موجه جلوه دهد.

● تمشک طلایی

از میان همه فیلم‌هایی که در جشنواره چهل‌ویکم حاضر بودند، پنج فیلم «آه سرد»، «پرونده باز است»، «کاپیتان»، «های پاور» و «هوک، در هیچ رشته‌ای نامزد دریافت سیمیرغ نشدند که این موضوع نشان دهنده کیفیت پایین آن‌هاست. در این مورد، هیئت انتخاب جشنواره باید پاسخگوی افکار عمومی باشد که اساسا چرا تعداد فیلم‌ها را با چنین آثار ضعیفی افزایش داده و به اعتبار جشنواره آسیب زده است. به نظر می‌رسد که اگر جایزه موسوم به تمشک طلایی وجود داشت، فیلم‌های «های پاور» و «پرونده باز است، رقابتی جدی را برای تصاحب آن شروع می‌کردند.

اخبار هنری مشهد

مشهدی‌ها در اهدای جوایز بخش تجلی اراده



آیین اهدای جوایز نهاد‌ها و تشکل‌ها به برگزیدگان بخش تجلی اراده ملی چهل و یکم‌فجر، جشنواره فیلم فجر، شامگاه ۲۵ بهمن ماه در تهران برگزار شد. چهارده ارگان و نهاد در آیین اختتامیه تجلی اراده ملی جشنواره چهل‌ویکم

جوایز خود را اهدا کردند. در این مراسم جایزه بهترین فیلم در بخش برگزیدگان نهاد کتابخانه‌های عمومی به ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده مشهدی، برای فیلم سینمایی «شماره ۱۰» اهدا شد. هیئت داوران جایزه آستان قدس رضوی متشکل از هادی حاجتمند، محسن هوشمند و دکتر محمد مهدی خیرجو جایزه بهترین فیلم را به انیمیشن «بچه‌زنگ، به تهیه‌کنندگی حامد جعفری اهدا کردند. جایزه مشترک بهترین کارگردانی و نویسندگی به هادی مقدم‌دوست و حسین حسینی برای فیلم سینمایی «عطرآلود، تعلق گرفت.همچنین هیئت داوران بانک ملت متشکل از محمدرضا شهیدی فرد و سیاوش حقیقی، دو هنرمند مشهدی، جایزه بهترین کارگردانی را به لیلی عاج برای فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» و به محمدحسین لطیفی برای فیلم «غریب، اهدا کردند. جایزه قرآنی به حامد عنقا و بابک حمیدیان برای نویسندگی وباز یگری فیلم سینمایی «غریب» رسید.

مدال طلای «آساهی شیمبون ژاپن» بر گردن عکاسی مشهدی



مهدی زایل عباسی، عکاس نام‌آشنای مشهدی و عضو ممتاز فدراسیون بین‌المللی فیاب، برای دومین بار مدال طلای جشنواره عکس آساهی شیمبون ژاپن را با عکس «نوه» دریافت کرد. جشنواره آساهی شیمبون

به عنوان یکی از معتبرترین جشنواره‌های عکس جهان، هر سال توسط انجمن عکاسی ژاپن، مؤسسه انتشاراتی آساهی و شیمبون و شرکت کانن برگزار می‌شود. هرسال بیش از ۱۰ هزار عکس از سراسر جهان به این مسابقه ارسال می‌شود که از این میان پنجاه عکس در بخش بین الملل این مسابقه نمایش داده می‌شوند.

اجراهایی از خراسان در جشنواره موسیقی فجر



سی و هشتمین دوره جشنواره موسیقی فجر از ۲۸ بهمن تا ۳ بهمن در تهران برگزار می‌شود. در این دوره چند اجرا به موسیقی خراسان اختصاص داده شده‌ولی هنوز اسامی گروه‌هایی که به عنوان نماینده خراسان در جشنواره حضور خواهند داشت، اعلام نشده‌است. براساس جدول منتشر شده توسط روابط عمومی جشنواره، ۲۸ بهمن ساعت ۲۱:۳۰ درکوشک هنر موسیقی خراسان اجرا خواهد شد. یکشنبه ۳۰ بهمن ساعت ۱۸:۳۰، نوای موسیقی تربت جام درکوشک هنر طنین انداز خواهد شد. سه‌شنبه ۲ اسفند نیز در ساعت ۱۸:۳۰ موسیقی شمال خراسان درکوشک هنر و در ساعت ۲۱:۳۰ موسیقی خراسان (چوب بازی) در فرهنگ‌سرای نیاوران و کوشک هنر اجرا می‌شود.

ایستگاه خبر

پخش مستندی از خراسان رضوی، از شبکه ۴



مجموعه مستند «راه‌ابریشمی» به‌کارگردانی محمدرضا رمزی به تازگی روانه آنتن تلویزیون شده و از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود. به گزارش «شهرآرا»، مستند «راه» از سری مجموعه ۱۰ قسمت ۲۵ دقیقه‌ای تولید شده‌است، به‌فرازوفرودهای کسب و کاری می‌پردازد

که از قرن‌ها پیش در ایران پرتर्फ‌دار بوده اما طی سال‌های اخیر رویه نابودی است. امشب قسمت پنجم این مجموعه که اولین قسمت آن در ۲۳ بهمن ماه از شبکه ۴ پخش شده است، ساعت ۲۰:۳۵ روی آنتن می‌رود. محمدرضا رمزی، کارگردان این مجموعه، در گفت‌وگو با شهرآرا درباره این قسمت‌گفت: در قسمت پنجم این مجموعه مستند به شهر بایگ از خراسان رضوی و تربت حیدریه می‌رویم. ابریشم کشی دستی و سنتی شهر بایگ زیانزده است. بررسی مشکلات ساکنان و ابریشم کشان بایگ و کارگاه ابریشم کشی دستی که بدون حمایت دولت کم‌کم در حال فراموشی است و نیز معرفی آیین زیبای کف‌زنی که در منزل یکی از اهالی این شهر اجرا شد، از موضوعات مهم این قسمت است. این کارگردان درباره فرم روایی این مستندگفت: این فیلم بر پایه تحقیقات و روایت تصاویر و مستندات همراه با نریشن پیش می‌رود. همچنین تاریخ باستانی ابریشم به شکل آرشیوی و گرافیک تصویری روایت می‌شود. مراحل مختلف تولید ابریشم و نوغان بخش دیگری از این مجموعه است و در کنار آن گزارش‌هایی مستند از مشکلات روستاییان در هر کدام از بخش‌ها نوغان‌داری، ریسندگی، رنگ‌ریزی، پارچه‌بافی، استفاده از موسیقی محلی بومی اقوام به همراه معرفی آیین و سنت بومی محلی مناطق به تصویر کشیده می‌شود.

● اطلاع‌رسانی مبهم

تردیدي وجود ندارد که جشنواره امسال با همه ادوار قبلی متفاوت بود و شرایطی استثنایی، همراه با انبوهی از حواشی ریز و درشت را از سر گذراند. با این‌همه در فهرست اعضای هیئت انتخاب و داوران جشنواره ابهاماتی وجود دارد. مهم‌ترین نکته در این مورد، دیر معرفی شدن اعضای هیئت داوران است و این سؤال وجود دارد که چرا پس از اخبار غیررسمی و گمانه‌زنی‌ها، در دیرترین زمان ممکن رسماً از اسامی داوران رونمایی شد.

حضور محمد رضا شریفی نیا و محمد تقی فهمی